

ترقی جامعہ زنان در دورہ حضرت عبدالبہاء

شاپور راسخ

وقتی سخن از دورہ حضرت عبدالبہاء می‌رود ناچار دو موضوع می‌تواند مورد نظر باشد: یکی دورہ قیادت آن حضرت که از سال ۱۸۹۲ تا سال ۱۹۲۱ ادامه یافت، و دومی اوضاع و تحولات جهان در فاصله این ۲۹ سال که خصوصاً در حیات جامعہ زنان تأثیر بی‌سابقہ داشت.

هر گاہ به مقالہ *féminisme* در فرهنگ دائرۃ‌المعارفی Mourre در فرانسه نگاه کنیم ملاحظہ می‌کنیم کہ بیشترین دگرگونی‌ها در زندگی زنان در جوامع غربی از نیمہ دوم قرن نوزدهم آغاز شد. مثلاً در فرانسه اولین دختری کہ دبیلیم متوسطہ را احراز کرد در سال ۱۸۶۱ بود، و اول خانمی کہ در پزشکی دکترا گرفت در سال ۱۸۶۸ بود، و اول نفسی از جنس مؤنث کہ تحصیلات حقوقی را تمام کرد بہ سال ۱۹۰۰ بود. خانم ماری کوری اول زنی بود کہ در علوم جائزہ نوبل را در سال ۱۹۰۳ گرفت، و در سال ۱۹۰۶ از او خواستہ شد کہ بہ تدریس فیزیک عمومی در دانشگاه سوربون پاریس پردازد. بعد از ۱۸۹۰ بود کہ چندین ایالت غرب آمریکا حق رأی بہ زنان اعطاء کردند. حق شرکت زنان در انتخابات عمومی در زیلند جدید بہ سال ۱۸۹۳ – در استرالیا بہ سال ۱۹۰۲ – در فنلاند بہ سال ۱۹۰۶ – و در نروژ بہ سال ۱۹۱۳ داده شد. در انگلستان بہ سال ۱۹۲۸ بود کہ زنان در انتخابات سیاسی برابری کامل با مردان یافتند. در سال ۱۹۲۰ بود کہ این برابری حقوقی در ایالات متحدہ برای ہمہ زنان تأمین شد. در اصلاحیہ نوزدهم قانون اساسی آمریکا و البتہ تأثیر جنگ جهانی اول بود کہ درها را بر اشتغال زنان در بسیاری از فعالیت‌ها کہ سابقاً بر آنان مسدود یا محدود بود در اروپا باز کرد.

اما تحولاتی کہ حضرت عبدالبہاء بہ پیروی از اوامر جمال اقدس ابھی در حیات زنان، خصوصاً در شرق، وارد کردند، حیرت‌آور بود، چنان کہ خواهیم دید. در زمان آن حضرت بود کہ مترجماً برابری حقوق زن و مرد کہ از جملہ تعالیم حضرت بہاء‌الله بود بہ موقع اجراء درآمد. از جملہ در عرصہ تعلیم و تربیت کہ منتهی بہ تأسیس مدارس دخترانہ در طهران و بسیاری از شهرستان‌ها شد. بہ تشویق آن حضرت بود کہ کلاس درس تبلیغ نسوان در طهران تشکیل شد. بہ ہدایت آن حضرت بود کہ در مغرب‌زمین بانوان حتی بدون طی دروس تبلیغی علمدار تبلیغ و اسفار تبلیغی و تشویقی و همچنین

مهاجرت به سراسر عالم شدند، چنان که خود آن حضرت فرموده‌اند: "حال در آمریکا اکثر مبلغین از اماء رحمانند. فی الحقیقه بر رجال تفوق جستند." (مکاتیب، ج ۷، ص ۲۹). عضویت بانوان در محفل اماء الرحمن، که زیر نظر محفل روحانی طهران بود، به دستور آن حضرت صورت گرفت (ر.ک. مکاتیب، ج ۷، ص ۸۴). و در آمریکا هم عضویت بانوان در محفل روحانی به پشتیبانی حکیمانه آن حضرت صورت‌پذیر گردید. در حالی که در آن زمان در ایران، زنان حق مکالمه و مکاتبه با بیگانه را نداشتند آن حضرت صدها مکتوب به سوی اماء الرحمن فرستادند، و نیز به زنان اجازه و قدرت «نطق فصیح و بیان بلیغ» (به اصطلاح خود آن حضرت) مرحمت کردند.

حضرت عبدالبهاء بودند که نقش نخستین و مقدم زنان را در تربیت نسل‌های آینده معلوم داشتند و تأثیر زنان را در تحقق و استقرار صلح بین‌المللی مورد تأیید قرار دادند و صریحاً فرمودند که "تا مساوات تامه بین ذکور و اناث در حقوق حاصل نشود عالم انسانی ترقیات فوق‌العاده ننماید." (پیام ملکوت، ص ۲۳۵). و تصریح کردند که "نزد خدا ذکور و اناتی نیست. هر کس کامل‌تر مقرب‌تر، خواه مرد باشد، خواه زن" (ص ۲۴۰)؛ سخنی که از بدو تاریخ تا آن زمان احدی با چنین صراحت نگفته بود.

و هم آن حضرت بودند که مدیریت آینده جهان را بر اساس صفاتی که نزد زنان قوی‌تر است ترسیم فرمودند، که نقطه مقابل مدیریت در عهود سابقه خواهد بود که به زور و قدرت جسمی تکیه داشت:

"در قدیم دنیا با زور اداره می‌شد و مرد چون جسما و فکرا از زن قوی‌تر و زور مند تر بود بر او غالب و مسلط بود ولی حال وضع عوض شده و اعمال زور و عنف تسلط خود را از دست داده است و اکنون هوشیاری و فهم و فراست فطری و خصائل روحانی و محبت و خدمت که در زن قوی است تفوق و غلبه یافته است و به این مناسبت عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است تا با صلابت مردان یا اگر بخواهیم روشن‌تر و صحیح‌تر بگوییم عصری خواهد بود که در آن دو عنصر مرد و زن در ایجاد تعادل و هماهنگی در مدنیت بطور یکسان موثر خواهند بود." (نقل از نجم باختر، ج ۳، شماره ۳، ص ۴، ترجمه)

اشخاصی از بانوان که بر اثر تشویق حضرت عبدالبهاء خلق جدید شدند کم نیستند، مثل قدسیه خانم اشرف که برای تحصیلات عالی اول دختر ایرانی بود که به آمریکا رفت. در میان زنان غربی نیز عده‌ای دست‌پرورده لطف و عنایت آن حضرت هستند، چون خانم کلیفورد بارنی (دریفوس) و می بولز (ماکسول) و ژولیت تامسون و لوا گتسینگر و هلن گودال که همه در تاریخ امر بهائی بلندآوازه شده‌اند.

آن حضرت در غیاب خود که حدود سه سال در اسفار غرب و مصر بودند (۱۹۱۱ - ۱۹۱۳) اداره همه امور امری را عملاً به خواهر گران‌قدر خود حضرت ورقه علیا بهائیه خانم سپردند، امری که در تاریخ ادیان گذشته سابقه نداشته است. و در مورد چنین ورقات طیبه است که فرموده‌اند:

"چنان جلوه نمایند که عالم انسان را زینت بخشند و ثابت کنند که در این کور بدیع، نساء همعنان رجالند، بلکه در بعضی موارد سبقت گیرند."

همین لطف و عنایت حضرت عبدالبهاء به اماءالرحمن بود که موجب شد حضرت ولی امرالله ضمن بیست نفر تلامذه آن حضرت (disciples) شش تن را از میان بانوان انتخاب فرموده‌اند: خانم‌های ایزابلا برتینیگهام - سارا فارمر - هلن گودال - لوا گتسینگر - لیلیان کاپیس - ماری ویرجینیا تورنبرگ کراپر.

حضرت عبدالبهاء بودند که در تفسیر و تبیین کتاب مستطاب اقدس تعدد زوجات، یعنی چندزنی، را ممنوع فرمودند، و خود در طول عمر تنها یک همسر داشتند و این سرمشقی برای همه بهائیان در طی نسل‌های آینده شد.

پس باید تصدیق کرد که آن حضرت در ترقی جامعه زنان نقشی اساسی داشته‌اند. خود در مکتوبی که در جلد هفتم مکاتیب آمده (ص ۳۶) فرموده‌اند: "من در سعی و کوششم که عالم نسا را بعون و عنایت جمال مبارک چنان ترقی دهم که کلّ حیران مانند." و فی الحقیقه موفقیت آن حضرت در ترقی روحانی، کسب فضائل و کمالات انسانی و تحصیل دانش و معرفت از جانب نساء حیرت‌آور بود. در این جا فقط اشاره به چند تن از بانوان کافی است که پس از اطلاع از الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۹ بلافاصله سفرهای دور دنیا یا اقامت در نقاط بعید را شروع کردند، که در میان آنها نام میس مارثا روت، کلارا دان، ماریون جک، و اگنس الکساندر به عنوان اول مجریان نقشه ملکوتی ناگزیر فوراً به خاطر می‌آید، نفوسی که از جمله میس مارثا روت را حضرت ولی امرالله فخر المبلغین و المبلغات نامیده‌اند.

اعلام اصل برابری

اعلام اصل برابری زن و مرد از نظر کرامت انسانی توسط حضرت بهاءالله آغاز شد که فرموده‌اند "امروز اماءالله از رجال محسوب" (پیام ملکوت، ص ۲۳۱). بدین ترتیب حضرت بهاءالله حکم قرآنی "الرجال قوامون علی النساء" را فسخ فرمودند، چنان که در مکاتیب حضرت عبدالبهاء (ج ۷، ص ۱۲۱) آمده: "در دوره‌های سابق ... «الرجال قوامون علی النساء» منصوص بود. حال در این دور بدیع، کار اناث پیش گرفت، این قید برداشته شد، کل محشور در صقع [یعنی جایگاه] واحد شدند."

در همان مکاتیب آمده (ص ۵۲): "تجلی مواهب نوع واحد بر رجال و نساء واقع." و باز حضرت عبدالبهاء تصریح و تأکید کرده‌اند که: "چرا باید نساء از رجال پست‌تر باشند؟ عدالت الهی قبول نمی‌کند. عدل الهی کلّ را مساوی خلق فرمود. در نزد خدا ذکور و انثی نیست." (پیام ملکوت، ص ۲۳۳)

حضرت عبدالبهاء علاوه بر تساوی در کرامت و شرافت انسانی لزوم تساوی حقوقی را که مقتضای عدالت الهی است مطرح فرموده‌اند. و فی الحقیقه در امر مبارک زنان از جهت تحصیلات، کار، بهره‌مندی از مزایای اجتماعی، شرکت در انتخابات بهائی، حق ازدواج و طلاق و نظائر آن کاملاً با مردان در یک سطح قرار گرفته‌اند، و در مورد تعلیم و تربیت اولویت به دختران داده شده "زیرا روزی آید که این بنات امهات گردند و اول مربی اطفال امهاتند که تأسیس فضائل در طینت کودکان نمایند ... و آداب انسانی بیاموزند

... لهذا باید نهایت اهمیت در تربیت بنات کرد و این مسأله بسیار مهم است." (مکاتیب، ج ۷، ص ۱۵۷)

این نکته گفتنی است که حضرت عبدالبهاء برابری زن و مرد را از جهت استعدادات هم مورد تصدیق قرار داده‌اند. در یکی از مفصل‌ترین خطابات خود در آمریکا که در ۱۲ ماه اوت ۱۹۱۲ در بوستون در فرانکلین اسکوتر هاوس ایراد شد به موضوع زن و مرد پرداختند و شواهد تاریخی متعددی را ذکر فرمودند برای اثبات آن که زنان همان استعداداتی را که مردان دارند واجد هستند. در این نطق از زنوبیا قهرمان زن آتن (ملکه پالمیر ۲۶۶ - ۲۷۲) که پالمیر را به اوج ترقی خود رساند، زیر بار سلطه روم نرفت، و مصر و آسیای صغیر را فتح کرد و بر سراسر شرق تسلط یافت) - کلنوپاتر، ملکه مصر - کاترین، همسر پطر کبیر، و بالاخره ملکه ویکتوریا یاد می‌کنند، و در مورد شخص اخیر می‌فرمایند که در دوران درخشنده و طولانی سلطنت خود هم امپراطوری انگلستان را بسط داد و هم به ثروت و غنا رساند. و بعد نمونه‌های برجسته زنان در تاریخ ادیان چون مریم مجدلیه - طاهره قره‌العین و دیگران را ذکر می‌کنند برای استدلال بر آن که از دیدگاه خدا تمایزی میان جنس مذکر نسبت به جنس مؤنث نیست و "ذکور و انثی را یک حکم" است (مکاتیب، ج ۷، ص ۶۴).

در امر و خلق، ج ۴، صص ۳۳۳ - ۳۳۴، از آن حضرت نقل شده که فرمودند: "مرد و زن هر دو بشرند و بندگان یک خداوند. نزد خدا ذکور و اناث نیست. هر کس قلبش پاکتر و اعمالش بهتر در نزد خدا مقرب‌تر است، خواه مرد باشد، خواه زن. و این تفاوتی که الآن مشهود است از تفاوت تربیت است، زیرا نساء مثل رجال تربیت نمی‌شوند. اگر مثل رجال تربیت شوند در جمیع مراتب متساوی شوند، زیرا هر دو بشرند و در جمیع مراتب مشترک. خدا تفاوتی نگذاشته."

مقایسه‌ای با افکار گذشته

برای درک اهمیت آنچه حضرت عبدالبهاء در باره زنان فرموده‌اند نگاهی به نحوه تفکر و عمل مردان در جامعه‌های اسلامی، و خصوصاً در ایران، مفید است. از بزرگترین شخصیت‌های دینی در عالم اسلام، امام محمد غزالی بود که می‌گفت: "باید مرد بر زن مستولی باشد. رسول گفت نگون‌سار است کسی که بنده زن باشد، چه زن باید که بنده مرد بود. و گفته‌اند با زنان مشاورت باید کرد و باز خلاف باید کرد در آن چه گویند." و توصیه او به مردان این است که "تا تواند بیرون نگذارد (یعنی اجازه خروج از منزل ندهد) و به بام و در نگذارد که هیچ نامحرم وی را ببیند و نگذارد که به روزن و طاقچه بنظاره مردان شود که آفت از چشم خیزد." ناگفته نماند که نامبرده مؤلف کتب بسیار از جمله *کیمیای سعادت* (۲ جلد) است که عبارات فوق از آن نقل شد (زندگی وی در آخر قرن پنجم و آغاز قرن ششم هجری).

خواجه نصیر طوسی در قرن هفتم به مردان سفارش می‌کرد که دائماً مشغله خاطر برای زنان ایجاد کنند تا خاطر آنان پیوسته به تکفل مهمات منزل مشغول شود و به فکر خروج از منزل و زینت‌کردن خود و رفتن به نظاره‌ها نیفتند!

حال دیدگاه سعدی شیرازی یکی از بزرگترین شعرای ایران را در کتاب بوستان ملاحظہ فرمائید کہ با چه صراحت می‌گوید:

در خرمی بر سرائی ببند کہ بانگ زن از وی برآید بلند
چو زن راه بازار گیرد بزن و گر نہ تو در خانہ بنشین چو زن
ز بیگانگان چشم زن دور باد چو بیرون شد از خانہ در گور باد!

این عبارات را مقایسه فرمائید با بیان حضرت عبدالہاء کہ در کتاب خطابات آمریکا PUP آمدہ: تا زمانی کہ واقعیت تساوی رجال و نساء بہ طور کامل مجری نگردد نیل بہ بالاترین درجہ رشد اجتماعی برای بشریت غیر ممکن است (ترجمہ بہ مضمون).^۱ و می‌دانیم کہ آن حضرت بودند کہ زنان را بہ حرکت، بہ گفتار، بہ فعالیت در جامعہ، بہ مشارکت در ہمہ امور عالم، و حتی بہ سبقت‌گرفتن بر مردان در علم و معرفت و کسب فضیلت و خدمت، مستمراً تشویق و تحریص فرمودند. تنها بہ نمونہ‌ای از بیانات مبارکہ در این زمینہ اکتفا می‌کنیم:

"وقت آہنگ ملکوتی است و زمان بانگ عبودیت آستان مقدس حضرت اہلی است. چرا ساکتی و صامت؟ نعرہ بزن، فریاد برآر، نغمہ بخوان، زخمہ بہ اوتار زن." (مکاتیب، ج ۷، ص ۱۸۰).

"ای امۃ البہاء ... سفر شہمیرزاد و سنگسر و سمنان بسیار موافق ... مقصود این است کہ آرام مجو و سکون مطلب. ہمیشہ مہتّز و منجذب و متذکر و متفکر و سبب روح و ریحان اماء رحمن باش." (مکاتیب، ج ۷، ص ۲۳)

"ای امۃ اللہ المقربہ ... عبدالہاء از درگاہ الہی رجا نمودہ کہ نفوسی از اماء رحمن در ایران مبعوث شوند کہ گوی سبقت و پیشی را از اماء الہی در آمریکا بر بایند ..." (مکاتیب، ج ۷، ص ۲۸).

"ای امۃ اللہ، در این کور عظیم و دور کریم حضرات نساء بشأنی عظیم مبعوث شدند. بعضی بلسانی فصیح ناطق گشتند و برخی بنطقی بدیع. امائی^۲ چون دریا بجوش آمدند و ورقاتی در سدرہ وجود چون ثمرہ طیّہ عالم شہود. پس تو ای امۃ اللہ بکوش تا از آن ثمرات مقدّسہ گردی."

قبلاً اشارہ کردیم کہ حرکت بعضی از اماء رحمن آمریکا برای ابلاغ کلمۃ اللہ بہ تشویق حضرت عبدالہاء بود، مانند می بولز کہ بہ دستور حضرت عبدالہاء در پاریس مستقر شد و اولین گروه بہائیان فرہیختہ را در آن شہر بہ ایمان بہ امر مبارک ہدایت کرد. در مشرق زمین ہم حضرت عبدالہاء موجب تواناسازی^۳ برخی بانوان بودند کہ از جملہ ایشان می‌توان بہ علویہ خانم، حرم شہید مجید ملا علی جان، اشارہ کرد کہ غالباً در سفر

۱ ہمین مضمون در پیام ملکوت، ص ۲۳۵ آمدہ است: تا مساوات تامہ بین ذکور و اناث در حقوق حاصل نشود عالم انسانی ترقیات فوق العادہ ننماید.

۲ عنوان اماء یا کنیزان الہی را از این بابت بہ زنان مرحمت کردند کہ عبودیت مہمترین صفت اہل ایمان است، چنان کہ خود لقب عبدالہاء را اختیار فرمودند

empowerment^۳

بود و کثیری را در مازندران بامر الهی دلالت کرد. در سال ۱۹۰۱ به تشویق حضرت عبدالبهاء به خراسان و عشق‌آباد سفر کرد. گل‌سرخی‌بیگم، ملقب به فائزه خانم، که اسفار تبلیغی بسیار کرد در سال ۱۸۹۶ به حضور حضرت عبدالبهاء رسید و در طهران برای کمک به زندانیان بهائی بسیار کوشید، و در تعلیم زنان و دختران نقش مؤثر داشت، و در کاشان احباء را به تأسیس مدرسه دختران تشویق کرد. بی‌بی روحانی که دارای آثار نظم و نثر است نامه به علماء می‌نوشت و آنها را تشویق به ایمان به امر رحمن می‌کرد، و در سال ۱۹۰۱ به حضور حضرت عبدالبهاء رسید، و در مجامع بهائی ناطقی توانا بود (رجوع شود به کتاب زنان بهائی و شوق ترقی - اثر سیاوش راستانی - نشر انگلستان).

همدلی و همدردی با اماءالرحمن

از جمله نشانه‌های لطف و عنایت حضرت عبدالبهاء نسبت به جامعه زنان، همدلی و دلسوزی برای زنان دردمند و بلاکشیده بوده است. در مجموعه مکاتیب مبارکه خطاب به اماءالرحمن (مجلد هفتم) رُفعات متعددی هست که بر این همدلی و همدردی و کوشش برای تسلی رنج‌بردگان دال است. و ضمناً از رقت قلب آن حضرت حکایت می‌کند. فقط نمونه‌ای از این مکاتیب را ذیلاً می‌آوریم با تصدیق آن که بسیاری از مکاتیب مبارکه جنبه خصوصی داشته و در مجموعه مذکور نیامده است.

— ای امه‌الله — رقیمه خواندم و از خُزنت متأثر ماندم ... مطمئن به فضل جمال قدیم باش و ملتجی به آن آستان مقدس ربّ کریم ... محزون مباش، مغموم مباش، توکل به جمال حیّ قیوم کن و توسّل بذیل اطهر ملیک مقصود ... (ص ۵۶)

— ای امه‌الله — هر چند مصائب و رزایا و متاعب و بلایا از جمیع انحاء بر شما استیلا یافته ... ولی چون جمیع در سبیل‌الله وارد و واقع، زهرش شهد و شکر است و لیل الیلش صبح انور ... (صص ۷۳ - ۷۴)

— ای پریرزاد ... دیگر از غریبی منال و بعنایت خاصّه حقّ بیال. پژمرده مباش، آزرده مشو، آسوده گرد، شادمانی کن، و بموهبت آسمانی کامرانی جو ... و این دربدری بهتر از هر سر و سامانی، زیرا آواره سبیل جانانی و دلدادۀ دلبر ... یعنی عاشق شمس حقیقتی و واله نور هویتی و مفتون فیض احدیتی ... (ص ۷۸)

— ای منادی ملکوت، در سفری که باطراف رفتی تنها نبودی. جان و دل عبدالبهاء با تو بود. هر چند صدمات شدید خورده و طعن و سب و شتم شنیدی و تعرّض غافلان دیدی این سبب افتخار تو است که در راه خدا هدف تیر جفا شدی و کأس بلا نوشیدی ... (ص ۱۲۵)

تأکید استثنائی در مورد لزوم کسب علوم و معارف

در آثار مبارکہ حضرت عبدالبہاء خطاب بہ اماء الرحمن تأکید شدیدی در بارہ لزوم کسب علوم و معارف، حتی دانش‌های زمان، توسط بانوان شدہ است، کہ یک نمونہ آن مکتوبی است کہ در پاسخ منیرمخانم ایادی، مؤسس مدرسہ تأییدیہ دوشیزگان وطن، مرقوم فرمودہ اند: "امروز نشر علوم و تدریس فنون و تعلیم اطفال ذکور و اناث از اعظم اساس این قرن مبین و عصر عظیم است ... زیرا جهان بہ علوم و فنون روشن و تابان گردد. علم نورانیت آفاق است، سبب روح و ریحان اهل اشراق است، حیات ابدیہ است، عزت سرمدیہ است (مکاتیب، ج ۷، ص ۱۰۹).

در مکتوب دیگری می‌فرمایند: "تا دوشیزگان در مکاتب و مدارس عرفان تربیت نشوند و تعلّم علوم و معارف ننمایند و تحصیل بدایع و صنایع لازمہ نکنند و بتربیت الہیہ تربیت نشوند، حال انتظام نیابد." (همان، ص ۱۵۷).

بہ دستور حضرت عبدالبہاء بود کہ یکی از ایادیان و همسرشان کلاس درس تبلیغی برای اماء الرحمن در طهران تأسیس کردند. حضرت عبدالبہاء مجامع نسوان را تشویق می‌فرمایند کہ بہ جای گفتگوهای عادی از علوم و معارف عمومی سخن گویند و استدلال بہ حقانیت امر مبارک کنند، چنان کہ در مکتوبی خطاب بہ «ای کنیزان عزیز الہی» می‌فرمایند: "امروز اعظم امور تبلیغ امر الله است. لہذا اماء رحمن باید فکر را در حصر در آن کنند، شب و روز بہ تتبع در براهین و حجج الہی مألوف گردند، و در حین اجتماع با یکدیگر بیان حجج و دلائل الہی نمایند و بشارت بہ یوم ظهور دهند ..." (مکاتیب، ج ۷، ص ۸).

در مکتوب دیگر خطاب بہ «آیتها الأماء المنجذبۃ بنفحات الله» کہ در آن از تأسیس درس تبلیغ در طهران برای اماء الرحمن اظهار مسرت می‌فرمایند متذکر می‌شوند کہ «حتی و رفات منجذبہ باید در اوقات معاشرت و الفت با یکدیگر صحبت از گرمی هوا و سردی آب و لطافت باغ و گلزار و طراوت چمن و جویبار ندارند، بلکہ مکالماتشان محصور در ذکر و ثنا و بیان ادلہ و برهان و نقل احادیث و آیات و اقامہ بیّنات باشد تا چنان گردد کہ جمیع خانہ‌های احباب محفل درس تبلیغ شود.» (مکاتیب، ج ۷، ص ۸۱)

بر سبیل نتیجه‌گیری

از جملہ اسرار کیهانی کہ در نصوص الہی مکشوف شدہ این است کہ تاریخ جهان در عین حرکت تصاعدی شاهد نوعی حرکات دوری است کہ با ظهور مظاهر الہی کہ حکم بہاران را دارد آغاز می‌شود و ہمراہ با تحولاتی است زمینہ‌ساز تغییرات عمدہ کہ توسط ادیان در دنیا تحقق می‌یابد و البتہ آن بہاران را تابستان و خزان و بعد زمستانی در پی است. اظهار امر حضرت ربّ اعلیٰ و جمال ابہی در سال‌های ۱۸۴۴ و ۱۸۵۳ سرآغاز بہار روحانی عالم است و از همین جهت وقایعی از آن زمان روی داد کہ می‌بایست راہ

را بر بزرگترین انقلابی که می‌باید توسط این ظهور اعظم در جهان تحقق یابد، یعنی اعتلاء زنان و نیل آنها به مقام و مرتبه برابری که شایسته آن هستند هموار ساخت. ذکر مجملی از آن چه در باره تحولات قرن نوزدهم و بعد بیستم روی داده، به مورد است. در کتاب منشأ فمینیسم مدرن، تألیف Jane Rendall (۱۹۸۵) مربوط به زنان در انگلستان، فرانسه، و ممالک متحده آمریکا در فاصله سال‌های ۱۷۸۰ - ۱۸۶۰ چنین آمده است (ص ۱۴۰): که در سه کشور مزبور آرزوی دستیابی به تحصیلات متوسطه برای اکثریت دختران کاملاً بی‌اساس بود. حتی بی‌سوادی به درجه‌ای رواج داشت که در سال ۱۸۴۴ [مقارن سال اظهار امر حضرت اعلی] مردان و زنانی که نمی‌توانستند موقع ازدواج دفتر ثبت موارد نکاح را امضاء کنند در میان مردان ۳۷ درصد و در میان زنان ۴۸ درصد بودند (انگلستان). در سال ۱۸۶۰ بیش از بیست درصد زنان سفیدپوست در آمریکا بی‌سواد بودند!

چون بحث ما در باره ترقی زنان در جامعه بهائی در زمان قیادت حضرت عبدالبهاء است، باید بگوئیم که این دوره بیست و نه ساله مقارن است با بعضی از تحولات عمده که از جمله ورود زنان در عرصه‌های مختلف حیات جمعی و ملی در مغرب‌زمین بود، نظیر پذیرفته‌شدن دختران در مدارس عالی و دانشگاه‌ها و برخورداری تدریجی آنها از حقوق انسانی خود، خصوصاً بر اثر جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) که نخست زنان را به عنوان کارگر وارد صنایع کرد و بعدها ابواب ادارات و مشاغل بالای «بچه سپید» را بر روی آنها گشود. کتاب تاریخ زنان در مغرب‌زمین^۴ که جلد پنجم آن مربوط به قرن بیستم است (نشر سال ۱۹۹۲) جدول زیر را در باره تاریخ شناسائی حقوق کامل شهروندی برای زنان در ممالک مختلفه ارائه کرده است (ص ۴۷۴) که عیناً نقل می‌کنیم و یادآور این بیان حضرت عبدالبهاء است که فرمودند این قرن قرن زنان است، کاری نیست که مردان کرده باشند و زنان از عهده آن برنمایند.

تاریخ شناسائی حقوق برابر سیاسی و مدنی برای زنان

کشور	سال برخورداری از حقوق برابر سیاسی	سال برخورداری از حقوق برابر مدنی (برای زنان مزدوج)
فنلاند	۱۹۰۶	۱۹۱۹
نروژ	۱۹۱۳	۱۸۸۸
سوئد	۱۹۲۱	۱۹۲۰
دانمارک	۱۹۱۵	۱۹۲۵
هلند	۱۹۱۹	۱۹۵۶
آیسلند	۱۹۱۵	۱۹۲۳
اطریش	۱۹۱۸	۱۸۱۱

^۴ Histoire de Femmes en Occident, sous la direction de Françoise Thébaud
فرانسواز تیبود

۱۸۹۶	۱۹۱۹	آلمان فدرال
۱۸۸۲	۱۹۲۸	انگلستان
۱۹۳۸	۱۹۴۴	فرانسه

در مغرب‌زمین اول دیپلمه‌های دختر که مدرسه متوسطه را تمام کردند [مدارس ابتدائی در نیمه اول قرن درهای خود را به روی دختران گشودند] به سال‌های ۱۸۶۰ - ۱۸۷۰ برمی‌گردد. در فرانسه فقط از سال ۱۸۷۹ بود که دانشسراهایی برای تربیت آموزگاران زن تأسیس شد، و مدارس متوسطه دختر و پسر در کنار هم ولی جدا از هم در دهه هشتاد قرن نوزدهم به وجود آمد. لازم به یادآوری است که مدارس متوسطه پسران و دختران برنامه‌های متفاوتی داشتند. به پسران تعلیمات نظامی داده می‌شد و به دختران درس خیاطی. دختران در آن زمان به نویسندگی تشویق نمی‌شدند، و ژرژ ساند نویسنده بنام فرانسه (۱۸۰۴ - ۱۸۷۶) می‌بایست اجازه همسرش را برای نشر آثارش بدست آورد. اول ورود به دانشگاه‌ها برای دختران در نیمه دوم قرن نوزدهم بود، زیرا هم استادان مرد و هم دانشجویان مرد با ورود دختران در دانشکده‌های پزشکی، علوم، و حقوق سخت مخالفت و مقاومت نشان می‌دادند. اول دختر آمریکائی که توانست رشته پزشکی را به اتمام رساند در سال ۱۸۴۹ بود. در انگلستان اول بار رشته پزشکی در سال ۱۸۷۴ برای دختران تأسیس شد. حتی با احراز دیپلم هم دختران در اشتغال در بیمارستان‌ها به مخالفت و مقاومت مردان برخورد می‌کردند. تنها از سال ۱۸۶۱ بود (حدوداً) که دختران در آمریکا به کالج‌ها راه یافتند. بالاخره در دهه نود قرن نوزدهم است که دختران در انگلستان، کشورهای اسکاندیناوی و روسیه به تحصیلات پزشکی رسماً پذیرفته شدند. دومین طریق رهایی و آزادی دختران و زنان احراز حق رأی در انتخابات سیاسی بود. در سال ۱۸۸۸ شورای بین‌المللی زنان تشکیل شد. در سال ۱۹۰۴ اتحادیه‌ای بین‌المللی برای احراز حق رأی زنان به وجود آمد. حتی تا آستانه جنگ بین‌الملل اول هیچ کشور غربی، به استثنای فنلاند در سال ۱۹۰۶ و نروژ در سال ۱۹۱۰، حق رأی به زنان نداده بود. و پارلمان انگلستان در سال ۱۸۸۲ حق مالکیت زنان شوهردار را شناخت و عهدنامه ورسای در سال ۱۹۱۹ تساوی دستمزد برای کار مساوی جهت مرد و زن را قانونی کرد.

بیش از این تفصیل جاز نیست و البته ناگفته نباید نهاد که هر یک از پیروزی‌ها که زنان در راه احقاق حقوق انسانی خود به دست آوردند به قیمت تلاش‌ها و گاه مبارزات جدی طولانی بود.